

متن املاي معلم ساخته درس هفتم  

مهمان شهرما

نشاط، در چهره ي مردم شهر موج مي زد و همه چيز و همه جا به انتظار رسيدن مهمان و تماشاى رخسار ايشان بودند.

خلاصه، هر چه به روز ورود نگار نزديك تر مي شدند، تپش قلب ها تند تر مي شد.

بالاخره آن روز فرا رسيد و ما مشتاق و پرتوان، در صف هاي منظم، به همراه مسئولان مدرسه، به طرف محل حضور آقا به راه افتاديم.

در نهايت به سيل خروشان جمعيت، كه به صورت خودجوش براي استقبال آمده بودند پيوستيم.

ناگهان در ميان غوغا و همهمه، آقا هم چون خورشيدى طلوع كرد و همه خيره به چهره ي ايشان شروع به گريستن كردند.

به خاطر دارم كه ايشان در لابه لاي سخنان خود، فكر كردن را به عنوان محور تلاش سفارش نمودند.

طراح: فاطمه پرسته

آدرس کانال 

@parasteh\_fa72